خبر

آغاز بازسازی ۲۴ هزار واحد مسکونی در سیستان‌وبلوچستان

● **فارس:** سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور گفت: از امروز تعمیر و بازسازی ۲۴ هزار واحد مسکونی در استان سیستان‌وبلوچستان آغاز شده است و این استان نیاز فوری به ماشین‌آلات سنگین راهسازی دارد. علی بختیاری اظهار کرد: درحال‌حاضر تمام راه‌های روستایی و شهری باز شده است و ۱۳ فروند بالگرد، اقلام و وسایل مورد نیاز سیل‌زدگان را در اقصا نقاط سیستان‌وبلوچستان توزیع می‌کردند و درحال‌حاضر هم دو روز است که به صورت نقطه‌ای عمل می‌کنند. او تأکید کرد: از دستگاه‌های ذی‌ربط درخواست می‌شود که برای ارسال ماشین‌آلات به استان سیستان‌وبلوچستان اقدام کنند. البته ستاد اجرائی فرمان حضرت امام علاوه بر توزیع ۹۰ تُن کالا و امکانات از امروز نیز ماشین‌آلات سنگین را به این منطقه ارسال کرده است.

تکذیب خبر بازسازی ۲۵۰ مدرسه سوری توسط ایران

● **ایسنا:** رئیس مرکز هماهنگی حوزه وزارتی آموزش و پرورش، انتشار اخباری مبنی بر قول وزارت آموزش و پرورش ایران برای بازسازی ۲۵۰ مدرسه در سوریه را صحیح ندانست و آن را رد کرد. علی باقرزاده دراین‌باره اظهار کرد: آقای وزیر در جریان سفر دو روزه به سوریه در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه گذشته هیچ قولی برای احداث مدرسه نداده و صحبتی هم درباره ساخت‌وساز مدارس مطرح نشد، چه برسد به اینکه عدد و رقمی هم اعلام شود. در این سفر برای تبادل دانش و تجربه پیرامون بازسازی مدارس سوریه اعلام آمادگی کرده بودیم. حاجی‌میرزایی در این سفر که چهارشنبه گذشته آغاز شد، در توییتی گفته بود: «امروز در دمشق با همتای سوری‌ام دیدار داشتم. در چند سال درگیری در سوریه حدود ۱۰ هزار مدرسه تخریب شده، با توجه به تجربه کشورمان در زمینه بازسازی و تجهیز واحدهای آموزشی در جنگ تحمیلی، به آقای عماد موفق العزب گفتم آماده انتقال تجربه و دانش فنی‌مان برای بازسازی مدارس سوریه هستیم».

بروز سرطان در ایران کمتر از متوسط جهانی

● **ایرنا:** میزان بروز سرطان در مردان و زنان ایرانی براساس گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به ترتیب ۱۳۴ و ۱۲۸ نفر به ازای هر صد هزار نفر است. متوسط جهانی بروز سرطان در مردان و زنان به ترتیب ۲۰۵ و ۱۶۵ نفر است؛ بر این اساس بروز سرطان در ایران کمتر از متوسط جهانی است. عباس نیازی، جراح سرطان، افزود: سرطان‌های پوست، معده، پروستات، مثانه و روده بزرگ در مردان و سرطان سینه، پوست، روده بزرگ و معده شایع‌ترین سرطان‌ها در زنان است که البته این نوع سرطان‌ها با درپیش‌گرفتن سبک زندگی سالم، قابل پیشگیری است و چنانچه در مراحل اولیه تشخیص داده شوند، درمان آنها آسان‌تر بوده. او اظهار کرد: درحال‌حاضر به طور کلی تعداد افرادی که به علت سرطان فوت می‌کنند، در مقایسه با سه دهه پیش، کاهش یافته و نیمی از افرادی که امروز تحت درمان سرطان هستند، پنج سال زنده خواهند بود و بیش از ۴۰ درصد آنها، بعد از ۱۰ سال هنوز زندگی می‌کنند.

ادامه از صفحه اول

تاریک و روشن توقف پخش زنده چند برنامه

زیرا هر اقدام رسانه‌ای، سازوکار خود را می‌طلبد که اکنون شاید در صحن رسانه ملی، مردم شاهد این قالی‌تکانی درباره چند برنامه زنده باشند. رسانه ملی وظیفه دارد آنچه را به‌طور عینی در جامعه جریان دارد، بر مصالح جزئی خود ترجیح دهد تا احترام به حقوق مخاطبان خدشه نپذیرد. مخاطبانی که از گونه‌های متنوع فکری شاهد برنامه در آن لحظه هستند، می‌خواهند لحظاتی زنده را شاهد باشند که دلسوزانه و منصفانه به یک موضوع فرهنگی یا سیاسی می‌پردازد. این خواسته چندان بالایی از رسانه ملی نیست. به‌هرروی می‌توان این اقدام سازمان صداوسیما را با تأمل بیشتری نگریست. مشروط بر آنکه مخاطبان در آینده نزدیک، شاهد پاگرفتن برنامه‌های زنده‌ای باشند که صلاحیت لازم در این عرصه را برگرفته باشند و چنان باشند که بتوانند بینندگان را به یاد برنامه‌های ارزشمندی بیندازد که در سال‌های نخست پیروزی انقلاب پخش می‌شد. مجموعه برنامه‌های زنده‌ای به نام «بحث آزاد» که باید پخش آن را از فرازهای درخشان این رسانه برشمرد. شخصیت‌های مستقلی از احزاب سیاسی وقت، به استودیو دعوت می‌شدند که افکار خود را بازگو کنند؛ به‌طوری‌که حتی کمونیست‌ها هم می‌توانستند در کنار شهید دکتر بهشتی یا رئیس‌جمهور وقت، حرف‌های خود را آزادانه مطرح کنند. این در حالی بود که در آن سال‌ها شبکه‌های تلویزیونی بسیار کم‌تعداد بودند اما مدیران وقت، به کارهای پرجرئت و برجسته‌ای در رده سازمانی خود مبادرت می‌کردند. اگر مدیران بخواهند از خود کارنامه قابل دفاعی بر جا بگذارند، الگوبرداری از رسانه سال‌های ۵۹ و ۶۰ خورشیدی چیز بدی نیست.

۶ سال از اتلاف منابع در پارس جنوبی بدون تصمیم مشخص گذشت

مخالفان سیراف چه می‌گویند؟

غلامحسین حستتاش . کارشناس ارشد انرژی

در تابستان سال ۱۳۹۳ وزارت نفت اعلام کرد که مناقصه ساخت هشت پالایشگاه میعانات گازی برگزار می‌شود. داستان این بود که طرحی در وزارت نفت پخت‌وپز شده بود که در منطقه سیراف در پارس جنوبی مجوز ساخت هشت پالایشگاه میعانات گازی به ظرفیت هرکدام ۶۰ هزار بشکه در روز به شرکت‌های بخش خصوصی اعطا شود؛ به این صورت که شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نفت تمام زیرساخت‌های لازم شامل سیستم‌های تأمین آب و برق و بخار، اسکله‌های بارگیری محصولات و مخازن ذخیره خوراک و محصول را احداث کنند و شرکت‌های بخش خصوصی فقط واحد اصلی پالایشی را بسازند.

به نظر می‌رسید که این شیوه کار نوعی دورزدن قوانین است. روح سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ این است که دولت دیگر وارد تصدی‌گری نشود و در جایگاه حاکمیتی بنشیند و تصدی‌گری توسط بخش خصوصی و خود مردم را تمهید کند که معنای حکمرانی (Governance) هم همین است. اما دوباره یک شرکت دولتی تحت عنوان «شرکت زیرساخت فراگیر پالایشی سیراف» تأسیس شد و سیستمی را شکل دادند که بخش خصوصی به‌نوعی تحت کنترل کامل این شرکت دولتی وارد شود تا صورت ظاهر قانون حفظ شود.

اما در همان اوان کار مشخص شد که این طرح بسیار خام و بی‌مطالعه است و واقعا جای شگفتی است که چگونه چنین طرح‌های چندمیلیارددلاری و چند صد میلیارد تومانی بدون اندک مطالعه‌ای آغاز می‌شود. اینک وارد ششمین سال از آغاز شکل‌گیری این طرح شده‌ایم و میلیاردها تومان هزینه شده است اما هیچ اثری حتی از یک واحد پالایشی نیست و چنانچه توضیح خواهم داد، بسیار بعید است که در آینده هم شاهد پالایشگاهی در سیراف باشیم. متأسفانه بسیاری از شرکت‌های بخش خصوصی و به‌قول‌معروف خصولتی هم که علاقه‌مند به ورود به فعالیت‌های نفتی هستند ولی شناخت کافی از وضعیت صنعت نفت نداشتند و باور نداشتند که چنین طرح‌های بی‌مطالعه‌ای از این صنعت بیرون بیاید، وارد این طرح شدند و هزینه‌های گزاف بی‌حاصلی کردند که بسیاری از این هزینه‌ها از جیب بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق‌های بازنشستگی بود. نگارنده مفتخرم که هرجا توسط داوطلبان سرمایه‌گذاری در سیراف به مشاوره دعوت شدم، به‌شدت آنها را از ورود به این طرح و هزینه‌کردن در آن بر حذر داشتم.

این‌جانب در بهمن‌ماه ۱۳۹۵ در مصاحبه‌ای به طرح پالایشگاه‌های هشت‌گانه سیراف به‌عنوان مصداق دیگری از بی‌برنامگی در صنعت نفت اشاره داشتم و گفتم که این طرح به اعتقاد من بدون حداقل مطالعات کافی آغاز شده است. به دنبال چاپ آن مصاحبه، مسئول وقت طرح برآشفته شده بود که چنین نیست و اینک با گذشت سه سال از آن مصاحبه و با گذشت بیش از پنج سال از کلیدخوردن این طرح بهتر می‌توان دراین‌باره قضاوت کرد. در مناظره مکتوبی که پس از آن مصاحبه شکل گرفت، توضیحات مسئولان درجه اول سیراف اصلا قانع‌کننده نبود و در بسیاری از موارد هم اصلا توضیحی نداشتند و بیش‌ازپیش به بی‌مطالعه‌بودن این طرح بزرگ مانند اغلب طرح‌های وزارت نفت، باور پیدا کردم.

واما اشکالات طرح:

۱. تأمین خوراک: طبعا اولین مسئله کلیدی برای هر واحد پالایشی در دسترس‌بودن خوراک کافی است که در مورد پالایشگاه‌های هشتگانه سیراف این خوراک میعانات گازی تولیدی پارس جنوبی است. اطلاعات تولید پارس جنوبی نشان می‌دهد که همین حالا که همه فازها به بهره‌برداری نرسیده‌اند، نه تولید گاز همه فازها به اعداد هدف فرض‌شده رسیده و نه متوسط تولید میعانات به عدد مفروض ۴۰ هزار بشکه هدف تولید رسیده است. ضمن اینکه پروفایل یا منحنی تولید هم روند نزولی دارد و با افزایش تعداد فازها با توجه به یکی بودن سفره (مشترک بودن با قطر)، افت فشار بیشتر خواهد شد و متوسط تولید پایین‌تر خواهد آمد. از سوی دیگر با احتساب پالایشگاه ستاره خلیج فارس (۳۶۰ هزار بشکه در روز)، پالایشگاه‌های پارس شیراز، لاوان، بندرعباس و پتروشیمی نوری حدود ۶۵۰ هزار بشکه تعهد برای میعانات پارس جنوبی وجود دارد و بنابراین با احتساب ۴۸۰ هزار بشکه خوراک سیراف، باید تولید میعانات به بیش از ۱٫۱ میلیون بشکه در روز برسد که غیرممکن به نظر می‌رسد؛ درحالی‌که روند تولید هم به‌شدت نزولی خواهد بود؛ بنابراین خوراک برای هشت واحد مورد نظر در طول دوران عمر مفید این پالایشگاه‌ها به‌هیچ‌وجه وجود نخواهد داشت. آخرین برآوردها این است که اوج تولید میعانات گازی پارس جنوبی از ۷۵۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز فراتر نخواهد رفت اما اگر مسئولان مربوطه دراین‌باره مطمئن هستند و مطالعات جامعی انجام داده‌اند. برای اینکه سرمایه‌های کشور تلف نشود و سرمایه‌گذاران مطمئن باشند، خوب است یا گزارش مطالعه خود را منتشر کنند و در معرض نقد و بررسی صاحب‌نظران قرار دهند که در آن روند عرضه با مشخص‌کردن پروفایل تولید بلندمدت (با احتساب روند برداشت ایران و قطر) و تقاضاهای قطعی شده و نهایتا بالانس عرضه و تقاضای میعانات میدان گازی پارس جنوبی، دقیقا بررسی شده باشد یا اگر مطالعه ندارند یا نمی‌خواهند آن را منتشر کنند (با توجه به فضای بسته نفت) اما به کار خود مطمئن هستند، برای اطمینان سرمایه‌گذاران، قراردادهای تأمین خوراک را از حالت یک‌طرفه خارج کنند و از زمان به بهره‌برداری رسیدن هر یک از پالایشگاه‌ها حداقل تا ۱۵ سال تأمین خوراک آنها را تضمین و تعهد کنند؛ به‌طوری‌که اگر شرکت نفت به تعهدش عمل نکرد، مجبور به پرداخت خسارت باشد نه اینکه مانند بعضی قراردادهای خوراک که بسته شده، مرجع حل اختلاف و رسیدگی هم امور حقوقی خود شرکت نفت باشد.جالب اینجاست که به‌تازگی موضوع فاز چهارم پالایشگاه ستاره خلیج فارس مطرح شده است و ظاهرا به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود زیرساخت‌هایی که در پالایشگاه ستاره خلیج فارس در بندرعباس به‌وجود آمده، اضافه‌کردن فاز چهارم به آن، کم‌هزینه‌تر و منطقی‌تر است و در این صورت خوراک مورد نیاز ستاره خلیج فارس به ۴۸۰ هزار بشکه در روز افزایش پیدا خواهد کرد و مشکل سیراف بیشتر خواهد شد.

اگر به سایت اینترنتی شرکت زیرساخت فراگیر پالایشی سیراف مراجعه شود، ملاحظه می‌شود بعد از مدت‌ها رکود و توقف در این سایت، در آخرین خبر سایت که مربوط به ۲۸ شهریور سال جاری است (تحت عنوان نشست بررسی تأمین مالی طرح)، ظرفیت پالایشگاه سیراف ۳۶۰ هزار بشکه اعلام شده است؛ یعنی فعلا به صورت چراغ‌خاموش دو واحد از هشت واحد پالایشی سیراف خط خورده است.

اگر وزارت نفت اصرار بر ادامه کار داشته باشد، سرمایه‌گذاران احتمالی در پالایشگاه‌های هشت‌گانه سیراف که متأسفانه برخی از آنها صندوق‌های بازنشستگی هستند و پول مردم را به ریسک می‌اندازند، باید توجه داشته باشند که باید قراردادهای بسیار محکم و تضمین‌شده‌ای را درباره تأمین خوراک با وزارت نفت منعقد کنند.

۲. مطالعات بازار محصول: برای سرمایه‌گذاری در راستای تولید یک یا چند محصول، اولین قدم مطالعات بازار است. عمر مفید پالایشگاه‌ها حداقل ۲۰ سال است و باید مشخص شود در ۲۰ سال آینده، روند عرضه و تقاضای جهانی و داخلی فراورده‌های تولیدی چه خواهد بود؟ روند عرضه و تقاضا و بازار میعانات چه خواهد بود؟ این مسئله بسیار مهمی است. بیشترین اطلاعاتی که ارائه می‌شود، مبتنی بر این است که به‌هرحال تقاضا برای محصولات وجود خواهد داشت که این به‌هیچ‌وجه کافی نیست. معلوم است که تقاضا برای هر کالایی وجود دارد، اما مهم این است که تقاضا در چه قیمتی وجود دارد و آیا در زمان به‌بهره‌برداری‌رسیدن این پالایشگاه‌ها، مثلا بازار و قیمت خود میعانات یا بازار و قیمت محصولات و خصوصا نفتا که عمده‌ترین محصول است، بهتر خواهد شد؟ بنابراین یک مطالعات بازار کامل باید هم روند تقاضا و هم عرضه و هم بالانس عرضه و تقاضا و در نهایت وضعیت بازار و قیمت را برای خوراک و محصولات نشان دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد مطالعات جامعی دراین‌باره انجام نشده است و در زمینه تقاضا نیز شواهد نشان می‌داد که عزیزان صنعت نفت بعدها و بعد از انتقادات، اطلاعاتی را فراهم کرده‌اند و خوب است مطالعات بازار محصولات را روی سایت شرکت زیرساخت قرار دهند. همین حالا هم درباره وضعیت تولید و بازار نفتا و بنزین ابهاماتی جدی وجود دارد. در مطالعاتی که چند سال پیش در مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی (وابسته به خود وزارت نفت) انجام شده و همچنین در مطالعه اخیرتری که دو، سه سال پیش به سفارش باشگاه نفت و نیرو انجام شده و از آن مطلع هستم، ابهامات زیادی در این موارد مطرح شده است. مسلما معنای اجتناب از خام‌فروشی این نیست که مثلا برای اینکه طلا را خام نفروشیم، ببریم آن را فراوری کرده و تبدیل به مس کنیم! این سرمایه‌گذاری‌ها به‌هرحال از جیب یک ملت است، چه اشکالی دارد اگر مطالعه قوی‌ای دراین‌باره وجود دارد، در معرض نقد و بررسی صاحب‌نظران قرار گیرد و حتی سمینارهایی برای آن برگزار و اطمینان حاصل شود.

۳- مقیاس اقتصادی و بهینه پالایشگاه: در مطالعه انجام‌شده از سوی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی که قبلا به آن اشاره کردم، نشان داده شده در شرایطی که بسیاری از پالایشگاه‌های ما زیان‌ده بوده‌اند، پالایشگاه‌های کوچک وضع بسیار بدتر و زیان انباشته بیشتری داشته‌اند (با وجود اینکه سرمایه‌گذاری‌شان هم سال‌ها پیش مستهلک شده است). مدیرعامل وقت شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی نیز در سال ۹۵ در مصاحبه‌ای گفت (حداقل در شرایط ایران و در جایی که حجم خوراک بزرگ است)، مقیاس پالایشگاهی کمتر از ۱۵۰ هزار بشکه اقتصادی نیست یا حداقل اقتصادی قوی ندارد و دوران بازگشت سرمایه طولانی می‌شود. علاوه بر این، این سؤال مطرح می‌شود که چرا پالایشگاه ستاره خلیج فارس ۳۶۰ هزار بشکه‌ای و واحدهای آن ۱۲۰هزاربشکه‌ای است و اینجا ظرفیت هر واحد ۶۰ هزار بشکه در نظر گرفته شده است؟ درهرحال آنچه مسلم است، این است که این مقیاس، حتی اگر اقتصادی هم باشد، بهینه نیست و مقیاس بزرگ‌تر می‌تواند اقتصادی‌تر باشد. در مقطعی، مسئول طرح سیراف ادعا می‌کرد اگر اقتصادی نیست، چرا بانک‌ها و بیمه‌های بین‌المللی آمده‌اند؟ پاسخ این بود که بفرمایید کدام بانک‌ها و بیمه‌ها آمده‌اند؟ خیلی‌ها می‌آیند؛ مهم این است چه کسی تا آخر می‌مانند؟ خیلی‌ها هم مطلع هستم که آمدند و متأسفانه به خاطر همین ابهامات رفتند؛ ضمن اینکه اگر واقعا سرمایه‌گذاران خارجی داوطلب، در مقطع بعد از برجام و قبل از خروج آمریکا از برجام (و اوج‌گیری مجدد تحریم‌ها)، آمده بودند، چرا مسئولان محترم مرتب از صندوق ذخیره ارزی برای تأمین مالی این پروژه‌ها صحبت می‌کردند؟ متأسفانه صندوق ذخیره ارزی یا توسعه ملی بدون بررسی دقیق پروژه‌ها را تأمین مالی می‌کند و در مواردی پروژه‌هایی بی‌سروته با دورزدن قوانین و با خصوصی‌سازی صوری، از سوی صندوق تأمین مالی شده است.

بعضا توضیح دیگری هم ارائه می‌شود که مقیاس پالایشگاه‌های میعانات با مقیاس پالایشگاه‌های نفت متفاوت است و محدودیتی که درباره پالایشگاه‌های نفتی وجود دارد، لزوما برای میعانات مصداق ندارد که البته این مطلب درخور تأملی است. مدارکی هم ارائه می‌شود که در دیگر جاهای دنیا نیز پالایشگاه ۶۰هزاربشکه‌ای میعانات وجود دارد، ولی این اصلا نمی‌تواند توجیه خوبی باشد، چون تحلیل اقتصادی بسته به شرایط هر منطقه متفاوت است و هنوز این سؤال باقی است که در جایی که قرار است ۴۸۰ یا حالا ۳۶۰ هزار بشکه خوراک وجود داشته باشد، چرا این مقیاس انتخاب شده و چرا با مقیاس ستاره خلیج فارس متفاوت است.

گاهی گفته می‌شود مقیاس کوچک شده است که قابل سرمایه‌گذاری از سوی بخش خصوصی داخلی باشد؛ این حرف نمی‌تواند چندان منطقی باشد که ما اقتصاد طرح را ضعیف کنیم. برای این کار همین الان هم بعضی که وارد شده‌اند، مجموعه‌ای از سهامداران هستند و می‌شد تلاش کرد اتحادها یا کنسرسیوم‌هایی از سهامداران ایجاد کرد که با یک اقتصاد قوی‌تر که مسلما هم به نفع اقتصاد ملی و هم به نفع سرمایه‌گذاران است، کار جلو برود و شاید هنوز هم برای چنین کاری دیر نشده باشد.

چنانچه اشاره کردم، روح سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ این است که دولت دیگر وارد تصدی‌گری نشود و در جایگاه حاکمیتی بنشیند و تصدی‌گری از سوی بخش خصوصی و خود مردم را تمهید کند که معنای حکمرانی (Governance) هم همین است. اما دوباره یک شرکت دولتی درست می‌شود و کار را با کمترین مطالعات شروع می‌کند و سیستمی را شکل می‌دهد که بخش خصوصی به نوعی تحت کنترل کامل خود دولت وارد شود تا صورت ظاهر قانون حفظ شود. بعد هم هنوز این اتفاق نیفتاده از جیب بازنشستگان نفت هزینه می‌شود. بنابراین در واقع قانونی‌بودن تأسیس شرکت زیرساخت سیراف زیر سؤال است.

۴. مطالعات مکان‌یابی: برای اجرای هر طرحی باید مطالعاتی انجام شود که بهترین مکان که اقتصاد طرح را بهینه می‌کند، کجاست. در این‌باره مسئله مکان بسیار با موضوع دوم یعنی مطالعات بازار مرتبط است. آیا بازار محصولات عمدتا داخل کشور است یا صادراتی است؟ اگر داخل است، در کجاست؟ کدام طرح‌ها در منطقه اطراف سیراف قرار است این همه نفتا را جذب کنند؟ اگر صادراتی است که علی‌القاعده باید عمدتا برای بازارهای شرق آسیا باشد، آیا بهتر نبود این پالایشگاه‌ها در قشم یا بندرعباس یا چابهار اجرا می‌شد؟ که فقط خوراک به مثلا چابهار حمل شود و محصولات به بازار هدف نزدیک باشد. آیا هزینه‌های حمل‌ونقل خوراک و محصولات به مقاصد مربوطه به‌خوبی بررسی و مطالعه شده است؟ در بحث محیط زیست هم همین مسئله می‌تواند مطرح باشد.

درباره مکان توضیحاتی روی سایت شرکت سیراف وجود دارد که نشان می‌دهد به دلیل نزدیکی به خوراک و زیرساخت‌های پارس‌جنوبی هزینه پالایشگاه کاهش می‌یابد، اما همان‌طور که اشاره شد، تا مسئله بازار هدف مشخص نشود و هزینه‌های حمل مقایسه نشود، توضیحات ارائه‌شده درباره مکان، کافی به مقصود نیست. ضمن اینکه مسئله زیست‌محیطی و امنیت تراکم تأسیسات نیز مسئله است.

۵. مطالعه و بررسی ظرفیت جذب: اما مسئله پنجم و آخر که شاید از یک منظر از همه مهم‌تر باشد، بررسی پروژه از منظر اقتصاد کلان است. از منظر اقتصاد کلان و ظرفیت ملی با یک نگاه جامع، واقعیت این است که با توجه به شرایط اقتصادی و بین‌المللی کشور ظرف امکانات و سرمایه و جذب سرمایه و توانایی‌های مدیریتی و... بسیار محدود است. درشرایطی که صدها و بلکه هزاران طرح و پروژه نیمه‌تمام داریم با زخمی‌کردن یک مگاپروژه، یک دهان گشاد دیگر نیز برای این ظرف محدود باز می‌کنیم. تجربه مکرر و فراوان نشان می‌دهد با این شیوه و روش، حتی به فرض کامل‌بودن سایر مطالعات، نه تنها این پروژه در زمان مقرر به نتیجه نمی‌رسد، بلکه به تعویق بیشتر سایر پروژه‌های نیمه‌تمام نیز کمک می‌کند و مطلعان از مطالعات اقتصادی و مدل‌های مالی پروژه‌ها خوب می‌دانند که تأخیرهای سنگین و طولانی‌شدن مدت خواب سرمایه، ممکن است پروژه‌ها را برای همیشه غیراقتصادی کند. از قدیم به ما گفته‌اند یک دِه آباد به از صد شهر خراب. آیا اگر همه توانایی‌ها متمرکز می‌شد که مثلا در این بحث، مجموعه ستاره خلیج فارس هر چه زودتر به بهره‌برداری می‌رسید، بهتر نبود؟

گاهی سابقه داشته است وقتی این مطالب و ضرورت انجام مطالعات کافی مطرح می‌شود، عمل‌گرایان ما را به مخالفت با توسعه متهم کرده‌اند. اگر مسئولان مربوطه بتوانند به نگارنده ثابت کنند که با این شیوه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و مدیریت، ما اقتصاد پیشرفته‌ای پیدا کرده‌ایم و در مسیر توسعه قرار داریم و مسائل و مشکلاتمان به‌صورت فزاینده در مسیر کاهش است، بنده، همه عرایض خود را پس می‌گیرم و عذرخواهی خواهم کرد، اما اگر چنین نیست که نیست و روند شاخص‌ها این را نشان نمی‌دهد، باید جدا تأمل کنیم که اشکال از کجاست؟ این مطلب آخر را از این بابت نوشتم که سال‌ها پیش در جلسه‌ای که امثال این نقدها را در موارد بی‌مطالعه دیگری مطرح می‌کردم، آقای محترمی از حلقه دوستان وزیر نفت وقتی به قول معروف در مباحث فنی کم آورد، به جای پاسخ منطقی پاسخ سیاسی داد و ما را متهم کرد اینها همان‌هایی هستند که مخالف توسعه کشور هستند! و من عرض کردم این اتهام خنده‌داری است که کسی مخالف توسعه کشورش باشد، اما اگر آنچه شما کرده‌اید توسعه است، بله من مخالف توسعه‌ام اما اهل فن و شاخص‌ها باید بگویند که توسعه چیست؟ و مسیر توسعه چیست و ما در چه مسیری هستیم. چرا ۶۰ درصد ظرفیت صنعتی کشور تعطیل است و بقیه هم ۵۰ درصدش زیان‌ده و غیربهره‌ور است و با رانت و یارانه سر پا نگه داشته شده است. غیر از این است که نتیجه و حاصل این نوع تصمیم‌گیری و مدیریت و زود دست به سخت‌افزار و کلنگ‌بردن و عدم توجه جدی به نرم‌افزارهایی مثل مطالعات بازار و مطالعات فنی- اقتصادی و مقیاس بهینه اقتصادی و غیره و غیره بوده است؟

در پایان صادقانه امیدوارم مراجع نظارتی به این مورد فقط به‌عنوان یک مصداق از وضعیت تصمیم‌گیری در صنعت نفت رسیدگی کنند و استانداردهایی حداقلی را برای تعریف طرح و پروژه تعیین کنند تا از این پس شاهد چنین ریخت‌وپاش‌هایی از جیب ملت نباشیم. دستگاه‌های نظارتی باید مشخص کنند هزینه‌های عظیم خاک‌برداری و تسطیح و جاده‌سازی و فراهم‌کردن دیگر زیرساخت‌های سیراف که تاکنون انجام شده، از چه منابع و محلی بوده است. همچنین خوب است دستگاه‌های نظارتی به این مهم نیز توجه کنند که حداقل در وزارت نفت تجربه نشان داده است جسارت اعتراف به اشتباه وجود ندارد و برای اجتناب از اعتراف به اشتباه هزینه حفظ شرکت‌ها و طرح‌ها و هزینه‌کردن‌ها ادامه می‌یابد و خسارت‌های مضاعفی به اقتصاد ملی وارد می‌شود تا مسئله شامل مرور زمان شود و دولت دیگری وارث و طبق معمول ادعا شود اگر ما بودیم، تمام می‌کردیم! کسی هم شاید یادش نماند که شش سال یا هفت سال بودید، غیر از هزینه چه کردید؟

خبر

حق سنوات پایان سال کارگران علی‌الحساب است

● بر اساس رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، در قراردادهای یک‌ساله مانند قراردادهای دائم، حق سنوات پایان هر سال، علی‌الحساب بوده و باید در زمان قطع همکاری، بر اساس آخرین حقوق پرداخت شود.به گزارش مهر، پرداخت مزایای پایان کار به کارگران که تحت عنوان «حق سنوات» نیز شناخته می‌شود، مبلغی است که با خاتمه قرارداد کار، به موجب ماده ۲۱ قانون کار به کارگران با قرارداد موقت، قرارداد غیرموقت یا کار معین بر اساس تبصره ۴ ماده ۷ و همچنین ماده ۲۴ قانون کار به‌عنوان مزایای پایان کار، تعلق گرفته و توسط کارفرما پرداخت می‌شود.همچنین در ماده ۲۴ قانون کار نیز به ضوابط پرداخت حق سنوات اشاره شده است. به‌این‌ترتیب که در صورت خاتمه قرارداد کار، کار معین یا با مدت موقت، کارفرما مکلف است به کارگری که مطابق قرارداد، یک سال یا بیشتر به کار اشتغال داشته است، برای هر سال سابقه اعم از متوالی یا متناوب، بر اساس آخرین حقوق، مبلغی معادل یک ماه حقوق به‌عنوان مزایای پایان کار پرداخت کند.

۹ درصد مالیات بر تولیدات ورودی مناطق آزاد

● مدیر توسعه صادرات و ارزش‌افزوده مناطق آزاد گفت: آنچه در مناطق آزاد و ویژه تولید می‌شود، برای ورود به کشور باید ۹ درصد مالیات بر ارزش‌افزوده پرداخت کند.

به گزارش فارس، ناصر خرمالی در گفت‌وگوی ویژه شبکه دو سیما، گفت: قانون معاف‌بودن مناطق آزاد از مالیات بر ارزش‌افزوده که در سال ۸۷ به‌صورت موقت ابلاغ شد، به‌هیچ‌وجه در مناطق آزاد اتفاق نیفتاد.او افزود: هیچ‌کدام از کالاهایی که از سرزمین مادر وارد مناطق آزاد شد، صادرات تلقی نشد.خرمالی گفت: فعالیت اقتصادی در مناطق آزاد معدنی نیست و الزامی به ثبت معاملات در این مناطق وجود ندارد؛ بنابراین راه شفافیت فعالیت‌های اقتصادی در مناطق آزاد تغییر قانون معاف‌بودن مناطق آزاد از مالیات ارزش بر افزوده نیست.او با بیان اینکه ۹۴۵ هزار نفر در مناطق آزاد و ویژه ساکن هستند و این مناطق ۰/۴ مساحت کشور را تشکیل می‌دهد، گفت: تولیدکنندگان در مناطق آزاد وقتی باید برای ورود کالاهای داخلی به این مناطق ۹ درصد مالیات بر ارزش‌افزوده بدهند، ترجیح می‌دهند کالاهای مورد نیاز خود را از خارج از کشور تأمین کنند.

وزیر انرژی عربستان:

گزینه کاهش تولید در نشست اوپک پلاس احتمال دارد

● وزیر انرژی عربستان گفته است: تمامی گزینه‌ها از جمله گزینه کاهش تولید بیشتر، در نشست اوپک پلاس در ماه مارس محتمل است.

به گزارش فارس، به گزارش شبکه تلویزیونی العربیه، عبدالعزیز بن سلمان، وزیر انرژی عربستان گفته است: تمامی گزینه‌ها، ازجمله گزینه کاهش تولید بیشتر، در نشست اوپک پلاس در ماه مارس باز است.اوپک از سال ۲۰۱۷ میزان تولید خود را برای ایجاد توازن عرضه و تقاضا در بازار و تقویت قیمت نفت کاهش داد.کشورهای عضو اوپک و کشورهای تولیدکننده غیراوپکی این توافق را چند بار تمدید کردند.آخرین بار میزان این کاهش تولید ۵۰۰ هزار بشکه دیگر افزایش یافت و در مجموع این کشور باید تا پایان ماه مارس روزانه ۱٫۷ بشکه نفت از تولید خود را کاهش دهند.ایران از ابتدا به علت تحریم‌ها از این کاهش تولید معاف بود.

قیمت نفت افزایش یافت

● قیمت نفت به دنبال کاهش ذخایر نفت آمریکا افزایش یافت و ۶۲٫۲۷ دلار در هر بشکه فروخته شد.

به گزارش فارس به نقل از رویترز، به دنبال کاهش ذخایر نفت آمریکا، قیمت نفت در معاملات روز جمعه افزایش یافت اما در مسیر ثبت کاهش شدید هفتگی در بحبوحه نگرانی‌ها درباره ویروس جدید کرونا در چین قرار دارد.

این ویروس تاکنون ۲۵ نفر را کشته و بسیار شیوع پیدا کرده و سبب کاهش مسافرت و تقاضا برای سوخت و به دنبال آن افت چشم‌اندازهای اقتصادی شده است.

هر بشکه نفت برنت با ۲۳ سنت افزایش ۶۲٫۲۷ دلار فروخته شده و هر بشکه نفت خام آمریکا با ۲۲ سنت افزایش ۵۵٫۸۱ دلار معامله شد. نفت برنت روز گذشته ۱٫۰۹ درصد و نفت خام آمریکا دو درصد کاهش قیمت را ثبت کردند.

نفت برنت تاکنون در این هفته افت چهاردرصدی داشته است. برای نفت خام آمریکا نیز تاکنون کاهش ۴٫۶درصدی را ثبت کرده‌اند.

جفری هالری، تحلیلگر ارشد بازار گفت: «فروش یکجا در یک هفته گذشته با سرعت ادامه یافت».اینکه قیمت‌ها افزایش یافت، ناشی از انتشار اخبار مربوط به کاهش ذخایر نفت و مواد نفتی آمریکا در هفته گذشته بود.